

اولین خبرنگار زن در تاریخ ایران

خرداد 4, 1393

برخی محققان مطبوعاتی معتقدند که عزت ملکخانم یا همان اشرفالسلطنه نخستین زن مطبوعاتی تاریخ ایران است.

سید فرید قاسمی، پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران در کتاب مطبوعات ایرانی خود درباره این زن سخن می‌گوید و او را اولین روزنامه‌نگار زن ایران می‌نامد: «اولین زن مطبوعات ایران عزت ملکخانم دختر امامقلی میرزای عماد الدوله دولتشاهی است که در سال ۱۲۸۸ق به عقد محمد حسن خان صنیع الدوله (اعتماد السلطنه) درآمد و از سال ۱۳۰۶ ملقب به اشرفالسلطنه شد.

همسر اشرفالسلطنه در دوران ۲۵ سال زندگی مشترک با او عهده دار امور مطبوعاتی بود و ۹ نشریه انتشارداد و نامش به عنوان نخستین وزیر انتباخات در تاریخ به ثبت رسید، در این مدت اشرفالسلطنه صمیمانه با او همکاری کرد و حتی بیشتر آنچه که به عنوان روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه بر جای مانده است، تقریر اعتمادالسلطنه و تحریر اشرفالسلطنه است و دور نیست که آثار دیگری نیز تحریر او باشد.»



نقش این زن همچنین در تاریخ عکاسی ایران انکارناپذیر است و او را به عنوان اولین عکاس زن ایران هم می‌شناسند. اعتمادالسلطنه همسر او در کتاب خود، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه که شامل وقایع چهل سال زندگی پر ماجراه وی در دربار ناصرالدین شاه است، بارها به عکاسی وی اشاره کرده است. شرح روشنگری را نیز یکی از بستگان اشرفالسلطنه در مقدمه چاپ‌های بعدی این کتاب در معرفی اشرفالسلطنه و فعالیتهای او از جمله عکاسی نوشته است.

دیگر محققان ایرانی معمولاً از بی‌خانم استرآبادی به عنوان یکی از نخستین زنان روزنامه‌نگار ایرانی یاد می‌کنند اما معمولاً به اشرفالسلطنه اشاره‌ای نمی‌کنند. بی‌خانم در زمان مشروطه در روزنامه‌های حبلالمتین، تمدن و نشریه مجلس مقاومت می‌نوشت. اگر روزنامه‌های مشروطه را بررسی کنیم با نام «بی‌بی» زیر مقاله‌ها

روبه رو می‌شویم که همان «بی‌بی خانم استرآبادی» است. از بی‌بی خانم استرآبادی مطالب زیادی در دست نیست و چند مطلب به جامانده از او بیشتر بر آموزش دختران تمرکز دارد.

درباره زندگی شخصی اشرف السلطنه که برخی محققان او را نخستین روزنامه نگار زن ایران می‌دانند آنگونه می‌نویسند: «وی در زمان حکمرانی پدرش در کرمانشاهان متولد شد و در جوانی به اعتمادالسلطنه که در آن هنگام میرزا حسن خان پیشخدمت شاه بود شوهر کرده و به تهران آمد. چون اولاد نداشت عمر خود را بیشتر به مطالعه کتب می‌گذرانید. به تاریخ و طب خیلی مایل بود. به علت زندگی با اعتمادالسلطنه از سیاست دربار ایران و اتفاقات مملکت و روابط با خارجه خوب مطلع بود.

در هنرهای زنانه و کارهای خانه از طباخی و خیاطی و غیره استاد و صاحب سلیقه بود. در حرمخانه ناصرالدین شاه و در خدمت شاه رفتاری تا حدی گستاخانه داشت. زبان فرانسه را قادری نزد شوهرش آموخته بود به سفر میل نداشت. به ساز و آواز مطلقاً مایل نبود ولی شترنج و نرد را خوب بازی می‌کرد. عکس‌های قشنگ برمی‌داشت. عکاسی را نزد مرحوم شاهزاده سلطان محمد میرزا والد کمترین [یُمنِ الدولة] آموخته بود. دو مرتبه به عتبات عالیات مشرف گردیده، در اواخر عمر از راه اسلامبول به مکه معظمه مشرف شد و جمعی را همراه برده و فریب دو هزار تومان خرج کرد.»

این زن که پس از ۲۵ سال دوشادوش شوهرش گرداننده مطبوعات عهد ناصری بود در سال ۱۳۱۳ به علت فوت شوهرش از تهران رفت او همه املاک شوهرش به جز کتاب‌های خطی اعتماد السلطنه در تهران را فروخت و راهی مشهد شد. او این کتاب‌ها را به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا کرد و به عقد حاج سید حسین نایب التولیه آستان قدس رضوی درآمد چندی نیز با او زندگی کرد و آنگونه که مورخان می‌گویند در سن ۵۳ سالگی از دنیا رفت